



از والیبالیست ها خواش می کنم قیمت خود را پایین نیاورند

فیاضی: پول زیاد نوش جان فوتبالیست ها

برای رفتن به المپیک دروغ نگفتم / نمی خواهم مثل سرمربیان موهایم زود سفید شود

و مصاحبه هر سه طبقه کافه - رستوران را ببینیم. ظهور و وقت ناچار باعث شد کافه - رستوران شلوغ باشد، بنابراین ما هم ترجیح دادیم روی صند لمی های جلوی کافه بنشینیم و در هوای بهاری با دریافت کتنده والیبال درباره خودش، والیبال، المپیک و اتفاقات مهم زندگی اش صحبت کنیم. البته که یک صفحه روزنامه گنجایش حرف های شبنینی پوریا فیاضی را نداشت و بنابراین ما به ناچار دست به انتخاب زدیم.

طبقه ای که با بازسازی حالا اسم کافه اوزن، با سبک و سیاق ایتالیایی روی آن خودنمایی می کند. با پوریا فیاضی کتنده دریافت سابق تیم ملی والیبال آنجا قرار مصاحبه داشتیم. ساعت ۱۳، ترافیک اما اجازه نداد، قرار ما سر ساعت علی، البته پوریا بیشتر اذیت شد، او که در تله ترافیک گیر افتاده بود، از روی ادب چند باری تماس گرفت و عذر خواهی کرد. ما هم تا رسیدن او فرصت پیدا کردیم تا برای پیدا کردن جای مناسب برای عکاسی

اتهای یوسف آباد، بعد از میدان سلما، خیابان شهربانی را که بلا می روی، کافه - رستورانی خودنمایی می کند که عجیب نمای ساختمانش جذاب است. خانه قدیمی سه

تورم هم که می بینید چگونه است. دوست داشتیم یک رستوران داشته باشیم که دوستم گفت اینجا هست، البته به این شکل نبود. خریدیم و این مجموعه را درست کردیم. هنوز هم در آمد خاصی از اینجا نداریم چون هزینه داشت و هنوز هم داریم کار می کنیم. اما حس خوبی دارد وقتی ۲۵ تا ۳۰ نفر اینجا کار می کنند و صاحب شغل هستند.

ورزشکاران معمولاً بساز و بفروش می شوند اما تو آمدی سراغ کاری که محمد موسوی انجام داد و جواب نگرفت.

این کار برای کسانی که بیزینس می کنند سخت است. مخصوصا دسالی که رستوران ها بسته شد. حالا هم سخت است و از نظریه ای نمی صرفد. چیزی است که شما داری برای یکی دیگر آباد می کنی، من فکر می کنم این کاری که کردیم این خیابان را خیلی زیبا کرد. خیلی از همسایه ها می گویند رستورانی که افتتاح کردی، شلوغ شد و البته خیلی ها نظر مثبت دارند. یوسف آباد مردم خوبی دارد و زمانی که ما داشتیم اینجا راه می انداختیم خیلی ها کمک کردند.

بعد از آن خداحافظی از تیم ملی اگر عطایی دعوت کند، برمی گردی؟



من نمی توانم روی زانویم فشار بیاورم. خدا را شکر درست ما بازگشتن خوبی هستند و فکر می کنم نیاز نباشد. باید قبول کنم که زانو من آمدگی ۱۰ ماه فشار را ندارد، و گر نه برای ۷،۶ ماه فشار العاده می توانم بازی کنم. مجتبی جباری می گفت من تعهد به زن و بچه دارم و نمی توانم سالی سه بار بدنساز کنم و در فوتبال به جام جهانی نرفتم چون فکر می کرد با فشار مصدوم می شود... تو هم مثل او فکر می کنی؟

به این مساله فکر می کنم. یک بار آسیب دیدگی شدید داشتم و دیدم دو ماه هیچ کس کنارم نیست نه باشگاه، نه سرپرست، نه هیچ کس دیگری. یک خانواده بود که شما به عنوان سرپرست خانواده نیازش را برطرف می کردی. حالا از کجا؟ از منبع درآمدت که والیبال است. در تمام لیگ ها وقتی یک بازیکن رباط پاره می کند، قراردادش را تمدید می کنند و او باید می شود. به زاین رفته بودیم، که اقامتی برای ماان خیلی جالب بود چون در اسکو بورده ورزشگاه دوران ناختم و بیمارانی دوتا از اسطوره های تیم زاین اقای سیموز و فوکو را و اراشان می دادند.

در والیبال الگوی خوبی برای خیلی ها هستم که چطور برگشتن. اینکه بعد از جراحی به بالاترین سطح والیبال برسی نه اینکه یک بازیکن معمولی باشی. من خیلی پیام می گیرم که قراردادش جوانی که آسیب می بیند و به من می گویند چه کردی که دوباره برگشتی؟ این خیلی لذت بخش است. اینجا جایی است که رباط داده یا فسخ قرارداد می کنند. اما در کشورهای دیگر برعکس است، مثلاً تو گوی که رباط پاره کرد، اواسا سونا با او تمدید کرد و بازیکنان لباسش را پوشیدند...

اینجا لباس را می پوشند اما تمدید نمی کنند. فقط شواف است. من می گویم هیچ پیراهنی نپوشند اما هوای بازیکن را داشته باشند. حرفی مانند؟

خوبی دوست دارم از همه مربیانی که کمک کردند و از اول در والیبال دستم را گرفتند تا به حال که در باشگاهی یا کلبه ای کار می کنم، کسانی که با مصدومیت من کمک کردند و به من اعتماد کردند تشکر کنم. آدم هایی که در زندگی ما تأثیرگذار بودند. نام همه را نمی شود آورد. فکر می کنم سال بعد باید بدن خیلی بهتر از بدن اسماعیل به لیگ بیایم چون وقش را دارم. امیدوارم سال دیگر بهترین عملکرد را داشته باشم و تیمم قهرمان شده باشد.



سقف قرار داد را پایین نیاورند. ارزش بیزینسی که همیشه نیست را پایین نیاورند، مبلغ معقولی بگویند، نه چیزی که طرف فراری شود و نه چیزی که تأثیر آن چنانی در زندگی اش نداشته باشد.

برخورد در فوتبال طبیعی است اما در والیبال به خاطر اینکه یکسری ها این طرف تور هستند و یکسری آن طرف طبیعی نیست. چه اتفاقی می افتد لب تور که دعوا می شود؟ کروی می خوانید؟ همیشه در تالارین تعیین کننده است. ضربان قلب و فشار و استرس را کنار هم بگذارید... تور که دیوار نیست.

چه اتفاقی می افتد که عصبی می شوید.

من کم دیده ام والیبالیست ها به هم ناسزا بگویند. اما کروی همیشه وجود دارد. در فشار بالا، کل کل اتفاق می افتد. کروی می خوانیم برای هم در امتیازاتی که می گیریم نگاه می اندازیم به هم ممکن است در والیبال خیلی اتفاقات بیفتد و حتی به بیرون هم کشیده شود. با آمدن ویدئو چک داوران هم آرامش بیشتری دارند و تنش ها کم شده است.

در خانه به تو می گویند پوریا بابک (اشاره به صفر سن)؟

فرقی نمی کند... اما من را آقای فیاضی صدا می کنند (با خنده). من اصلا به خانه نمی روم...

بعد از خداحافظی معروف گفتی باید منت او را بکشیم. منظورت این است که اینقدر بزرگ است که باید همیشه کنار تیم باشد؟

بست های والیبال استهلاک شان با هم متفاوت است. بست سعید جوری است که نیاز به فعالیت زیاد ندارد. اگر در اوج یخنکی از او استفاده کنیم، ما سوخت دادیم و گل به خودی زدیم که در این سن و سال از پاسور یخته استفاده نکرديم. جوانگرایی کنیم اما در تورنمنت های دیگر که قهرمانی جهان. اگر سعید توانایی داشت منطقی بود اما در لیگ ترکیه بازی کرد. اگر او را از دست دهیم بعد ها ناراحت می شویم که از چنین آدمی استفاده نکردیم. این قضیه را آقای عطایی می تواند تشخیص دهد. حیف است از او استفاده نکنیم چون چند سال دیگر می گویم جزو دو نفر برتر دنیا بود و از او استفاده نکردیم.

معتقدی که موهای سعید به خاطر والیبال سفید شده...

ارثی است... اما خیلی حرص می خورد. مثلاً آن ۳،۲ بار که به برزیل باختم و می توانستیم ۱-۳ ببریم، سعید را نقش خودش را ردانی کرد. کاری با نحوه برخورد سعید با یاخت ندارم. چقدر دلم تنگ می شود که باخت به برزیل کاری می کرد که به اتاق خودمان برویم و وضع بخوریم. به امیر غفور می گفتم بیایه اتاق سعید برویم و سر به سرش بگذاریم. این اتفاق برای امیر غفور و سعید بعد از باخت به تیم های گردن لغفت هم می افتاد. به هم می ریختم. نسلی بودیم که در تورنمنت ها به رستوران ها که می رفتیم تیم های دیگر با احترام به ما نگاه می کردند. حالا یکم پوست اندازی کرده و آن ها... دوباره این اتفاقات می افتد. آن لحظه ها دلچسب بود که با باخت به برزیل نصف تیمم غزا گرفتند.

در قهرمانی جهان ۲۰۱۴، لهستان به فرانسه باختید و برای شام بیرون میامید به جز سید... سید از غذای نمی گذرد. لحظات شیرینی است که بین این همه استعداد، لباس تیم ملی را بپوشی. یکسری ها زنبود امکانات و این داستان ها به حقشان نمی رسند. شاید یک دست از لباس های تیم ملی برای ما مانده باشد. همه را دوستانم بردند. وقتی بعد از مصدومیت دوباره به تیم ملی رسیدم، نگاه دوستان و پدرم به خودم را دیدم. سیدم که به ما نگاه می کردند. حالا یکم به هم می خورد. سیدم که به کار بازیگر آمد بود. من ۱۰ بار بیشتر خوشحال بودم که تو استامپ با او کار کنم. هر چند کوتاه بود...

معلوم است حسابی دلش را برده بودی... من همه تلاشم را کردم تا توجهش را جلب کنم. سبک کاری روس ها فیزیکی است و من از آنها تکنیکی تر هستم. یک مقدار سخت است به عنوان بازیکن فنی در دل روس ها جایز کنی. یکی از بهترین لحظات زندگی من تعریف الکتو از من بود و حتی یک روز به جبهام، دوستان وید و مادر من نشان می دهم و به آن افتخار می کنم.

چرا در شهر تو (رومیه) والیبال اینقدر مورد توجه است؟

من خودم متولد تهران هستم. از سال ۹۲ بود که ۵،۴ سال در آنجا بازی کردم. بعد هم تیم ارومیه منحل شد که تأسیس بار است. تیم های مثل ارومیه و پیکان تیم هایی هستند که اگر ضعیف باشند لیگ ما نابود می شود. دیدید که پیکان سه سال رفت سراغ یک مدل سرمایه گذاری دیگر و والیبال ما لطمه دید. تیم هایی مثل پیکان و ارومیه همیشه باید قوی باشند و تعیین کننده. عقب نشینی این باشگاه ها باعث می شود که والیبال ضربه جبران ناپذیری بخورد. ما هم کم داریم شهرهایی که ۱۰ هزار نفر وارد سالن شوند. این دوسال ارومیه پتانسیل قهرمانی داشت اما نبود تماشاگرانش قوت تیم ارومیه را کم کرد. تیم ارومیه وابسته است به فشاری که تماشاگرانش به حریف می آورد. حالا فکر می کنم عقب نشینی بد است. تماشاگران سال دیگر برمی گردند فکر کنم، والیبال هم ورزشی است که از لحاظ قرارداد در رشته های توبی از همه عقب مانده است در حالی که تیم بستن کار سختی نیست.

منظورت این است که رقم های قرارداد بازیکنان پایین است؟

فوتبالیست ها که نوش جانشان. این انتقاد مردم غلط است. فوتبال ورزش سختی است. مگر می شود در گرمای آبدان ۴۰ دقیقه بدوی. چه برسد به ۹۰ دقیقه بازی. ورزش خیلی سختی است. فکر کنم ما باید اندامی بازیکنان داشته باشیم. شاید آدم ها دروغ بگویند اما اعداد دروغ نمی گویند. شما یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون قرارداد ببندی به حرف زیاد است. اما یک کسر مالیات، ۱۰ ماه بازی و جریمه، مبلغی می ماند که آن واقعا به کاری نمی آید. یک میلیون هم بول است و مردم با سختی درآمد به دست می آورند اما مادر باره ورزش حرفه ای حرف می زنیم.

یکی زمان فوتبالیست با یک قرارداد داشت دو تا خانه می خرید اما حالا با پول یک فصل نمی شود...

من گفتم ۵۰۰ هزار تومان را، حالا ۷ میلیون می خرم. یک دوره مکمل برای من سالی ۵۰ میلیون آب می خورد، هزار هزینه دیگر دارم تا بتوانم خودم را در سطحی نگه دارم که بتوانم بازی کنم. تأمین همه آنها آسان نیست. من از بازیکنان خودم مخصوصاً بازیکنان ملی پوش و تاپ می خواهم لطفاً



مربی ها نسبت به جغرافیایی که دارند، طرز مد پایشان فرق می کند. هر کدام یک سبک داشتند. دوسبک متفاوت، اما هر دو در سبک خود عالی بودند. الکتو زمان کافی برای جا انداختن سبک خود نداشت. او بعد از لیگ جهانی تیم، تحت فشار بود و همه بعد از آن می خواستند تیم از فشار خارج شود. و لاسکو هم سال اول موفق نشد.

به نظر باید به الکتو بیشتر وقت می دادند؟

من فکر می کنم بعد از الکتو بود و وقتش بود. تیم ما مربی های قبلی جا افتاده بود. اما فرصت الکتو کوتاه بود و وقت برای استفاده از او کم. در حالی که او سبک خیلی خوبی داشت. خود و لاسکو هم سال اول اذیت شد.

توقع داشتی الکتو اینقدر از تو تعریف کند؟ گفته بود از قبل تو را دیده بوده و خوشحال بود که از نزدیک با شما کار می کند.

هر چند را خوشحال بودم. من ۱۰ بار بیشتر خوشحال بودم که تو استامپ با او کار کنم. هر چند کوتاه بود...

معلوم است حسابی دلش را برده بودی... من همه تلاشم را کردم تا توجهش را جلب کنم. سبک کاری روس ها فیزیکی است و من از آنها تکنیکی تر هستم. یک مقدار سخت است به عنوان بازیکن فنی در دل روس ها جایز کنی. یکی از بهترین لحظات زندگی من تعریف الکتو از من بود و حتی یک روز به جبهام، دوستان وید و مادر من نشان می دهم و به آن افتخار می کنم.

چرا در شهر تو (رومیه) والیبال اینقدر مورد توجه است؟

من خودم متولد تهران هستم. از سال ۹۲ بود که ۵،۴ سال در آنجا بازی کردم. بعد هم تیم ارومیه منحل شد که تأسیس بار است. تیم های مثل ارومیه و پیکان تیم هایی هستند که اگر ضعیف باشند لیگ ما نابود می شود. دیدید که پیکان سه سال رفت سراغ یک مدل سرمایه گذاری دیگر و والیبال ما لطمه دید. تیم هایی مثل پیکان و ارومیه همیشه باید قوی باشند و تعیین کننده. عقب نشینی این باشگاه ها باعث می شود که والیبال ضربه جبران ناپذیری بخورد. ما هم کم داریم شهرهایی که ۱۰ هزار نفر وارد سالن شوند. این دوسال ارومیه پتانسیل قهرمانی داشت اما نبود تماشاگرانش قوت تیم ارومیه را کم کرد. تیم ارومیه وابسته است به فشاری که تماشاگرانش به حریف می آورد. حالا فکر می کنم عقب نشینی بد است. تماشاگران سال دیگر برمی گردند فکر کنم، والیبال هم ورزشی است که از لحاظ قرارداد در رشته های توبی از همه عقب مانده است در حالی که تیم بستن کار سختی نیست.

منظورت این است که رقم های قرارداد بازیکنان پایین است؟

فوتبالیست ها که نوش جانشان. این انتقاد مردم غلط است. فوتبال ورزش سختی است. مگر می شود در گرمای آبدان ۴۰ دقیقه بدوی. چه برسد به ۹۰ دقیقه بازی. ورزش خیلی سختی است. فکر کنم ما باید اندامی بازیکنان داشته باشیم. شاید آدم ها دروغ بگویند اما اعداد دروغ نمی گویند. شما یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون قرارداد ببندی به حرف زیاد است. اما یک کسر مالیات، ۱۰ ماه بازی و جریمه، مبلغی می ماند که آن واقعا به کاری نمی آید. یک میلیون هم بول است و مردم با سختی درآمد به دست می آورند اما مادر باره ورزش حرفه ای حرف می زنیم.

یکی زمان فوتبالیست با یک قرارداد داشت دو تا خانه می خرید اما حالا با پول یک فصل نمی شود...

من گفتم ۵۰۰ هزار تومان را، حالا ۷ میلیون می خرم. یک دوره مکمل برای من سالی ۵۰ میلیون آب می خورد، هزار هزینه دیگر دارم تا بتوانم خودم را در سطحی نگه دارم که بتوانم بازی کنم. تأمین همه آنها آسان نیست. من از بازیکنان خودم مخصوصاً بازیکنان ملی پوش و تاپ می خواهم لطفاً

مربی ها نسبت به جغرافیایی که دارند، طرز مد پایشان فرق می کند. هر کدام یک سبک داشتند. دوسبک متفاوت، اما هر دو در سبک خود عالی بودند. الکتو زمان کافی برای جا انداختن سبک خود نداشت. او بعد از لیگ جهانی تیم، تحت فشار بود و همه بعد از آن می خواستند تیم از فشار خارج شود. و لاسکو هم سال اول موفق نشد.

به نظر باید به الکتو بیشتر وقت می دادند؟

من فکر می کنم بعد از الکتو بود و وقتش بود. تیم ما مربی های قبلی جا افتاده بود. اما فرصت الکتو کوتاه بود و وقت برای استفاده از او کم. در حالی که او سبک خیلی خوبی داشت. خود و لاسکو هم سال اول اذیت شد.

توقع داشتی الکتو اینقدر از تو تعریف کند؟ گفته بود از قبل تو را دیده بوده و خوشحال بود که از نزدیک با شما کار می کند.

هر چند را خوشحال بودم. من ۱۰ بار بیشتر خوشحال بودم که تو استامپ با او کار کنم. هر چند کوتاه بود...

معلوم است حسابی دلش را برده بودی... من همه تلاشم را کردم تا توجهش را جلب کنم. سبک کاری روس ها فیزیکی است و من از آنها تکنیکی تر هستم. یک مقدار سخت است به عنوان بازیکن فنی در دل روس ها جایز کنی. یکی از بهترین لحظات زندگی من تعریف الکتو از من بود و حتی یک روز به جبهام، دوستان وید و مادر من نشان می دهم و به آن افتخار می کنم.

چرا در شهر تو (رومیه) والیبال اینقدر مورد توجه است؟

من خودم متولد تهران هستم. از سال ۹۲ بود که ۵،۴ سال در آنجا بازی کردم. بعد هم تیم ارومیه منحل شد که تأسیس بار است. تیم های مثل ارومیه و پیکان تیم هایی هستند که اگر ضعیف باشند لیگ ما نابود می شود. دیدید که پیکان سه سال رفت سراغ یک مدل سرمایه گذاری دیگر و والیبال ما لطمه دید. تیم هایی مثل پیکان و ارومیه همیشه باید قوی باشند و تعیین کننده. عقب نشینی این باشگاه ها باعث می شود که والیبال ضربه جبران ناپذیری بخورد. ما هم کم داریم شهرهایی که ۱۰ هزار نفر وارد سالن شوند. این دوسال ارومیه پتانسیل قهرمانی داشت اما نبود تماشاگرانش قوت تیم ارومیه را کم کرد. تیم ارومیه وابسته است به فشاری که تماشاگرانش به حریف می آورد. حالا فکر می کنم عقب نشینی بد است. تماشاگران سال دیگر برمی گردند فکر کنم، والیبال هم ورزشی است که از لحاظ قرارداد در رشته های توبی از همه عقب مانده است در حالی که تیم بستن کار سختی نیست.

رقابت های قهرمانی باشگاه های والیبال مردان آسیا، شروع شد، آن را چگونه می بینی؟

اتفاق خیلی بزرگی برای این رقابت ها افتاد که باید بابت آن، از مجموعه پیکان تشکر کرد. آن هم به یک دلیل خیلی تشنگ باشگاه بعد از خدا حافظی سعید معروف از تیم ملی و عدم حضور سید محمد موسوی در تیم ملی، با آوردن دو ستاره بزرگ دنیا کنار سعید و سید - که از نظر خیلی ها دیدن آنها کنار هم محال بود و نشدنی - اقدام بزرگی انجام داد. در لیگ قهرمانان آسیا، دوباره مردم می توانند از تماشا بازی آنها لذت ببرند. آن هم کنار دو غول والیبال که این اتفاق برای ورزش ایران خیلی خوب است و اعتبار می آورد. انگار در فوتبال از رزال مادرید یا بارسا بازیکن بیاوریم، به نظر ما این شرایط مردم حالا بیشتر از لیگ جهانی، مشتاق دیدن باشگاه های آسیا هستند.

شما معمولاً در مسابقات مقابل انگلیت و نیمبر بازی می کردید، حالا با هم هم تیمی هستید چه حس می دارید؟

والیبال ما در سطح دنیا در سطح پایین نیست که از بازی کنارشان ذوق زده شویم. درست است که بازیکنان بزرگی در والیبال هستند، اما این طور نیست که ما هر ۱۰ سال یک بار مقابل آنها بازی کرده باشیم. در لیگ ملت ها و تورنمنت های بین المللی مقابل آنها قرار می گرفتیم. البته ما از بازی کنار آنها خوشحال هستیم. اما تیم ملی والیبال ما بهترین تیم آسیاست و حضور آنها در تیم پیکان اتفاق خارق العاده ای نیست، کار سخت و پیچیده ای بود که انجام شد.

به نظر با وجود اینکه امسال تعداد تیم ها در قهرمانی باشگاه های آسیا از ۸ تیم بیشتر نیست، اما سطح رقابت ها بالاتر از دوره های قبل باشد...

مردم دیگر حوصله تماشا بازی های یک طرفه دور مقدمانی را ندارند. حضور تیم های زیاد سطح پایین یا متوسط هم یک جوری وقت کشی می شد. امسال بر خلاف دوره های قبل هواداران والیبال از همین روز اول می توانند بازی های پر هیجان و جذاب را تماشا کنند، چرا که نه تنها تیم ما که بقیه تیم ها هم بازیکنان خوبی در ترکیبشان دارند. به نظر من کیفیت بهتر از کمیت رقابت هاست.

با جراحی بینی، در مسابقات اذیت نمی شوی؟

متأسفانه به دلیل مشکل تنفسی و خروپف در خواب، هیچ کدام از بچه ها حاضر نبودند هم اتاقی ما من را تحمل کنند و مجبور به جراحی شدم. البته که شرایط تنفسی راستم را آتل بسته ام و پزشک گفت زیر ۷۰ روز حق پیرش ندارم اما من از روز ۲۵ ام تمرین پیرش را شروع کردم. با اینکه در تمرین طولانی اذیت می شوم اما نمی شود کاری کرد.

والیبال ورزش گروهی است اما فرد چقدر نسبت به بازی های گروهی تعیین کننده است؟

معمولاً هر تیم یک یا دو ستاره است و در لحظات حساس تعیین کننده باشند. حالا والیبال خیلی پیشرفت کرده و تأثیر در نتایج خیلی تأثیر گذار است. شاید در یک ست شمشاد بتوانید، با دو اتفاقی که از قبل بابت عادت بازیکنان حریف پیش بینی کرده بودید ورق بازی را برگردانید. اما بعضی بازیکنان تعیین کننده هستند و در لحظات حساس می توانند تغییر ایجاد کنند. از این رونمایی آنها قیمتشان را متفاوت می کند.

از تلوپرون فکر می کردم هیکت درشت تر باشد، واقعا فیزیک بااست قدرتی زن فرق دارد؟

قدرتی زن به کسی می گویند که باید در دریافت شرکت کند. دو مدل قدرتی زن داریم. قدرتی زنی که بیشتر در حملات شرکت می کند و دیگری قدرتی زنی است که در حمله کمک می کند. سبک بازی من طوری است که به دو متر قد و برش زیاد نیاز ندارم. سبک بازی خودم را دارم که خیلی هم دوستش دارم. سعی می کنم در زمین کم اشتباه باشم. خودم همیشه بازیکنانی را دوست داشتم که اول کم اشتباه بازی می کنند و بعد می توانند امتیاز گیری کنند. خود من اگر به سرمربی بازیکنانی را بازی می دهم که رونق بازی را نکنند، سرمربی فکر می کنی؟

به هیچ عنوان... دوست دارم بعد از والیبال تمرین دهنده باشم. خیلی تمرین دادن را دوست دارم.

یعنی سرمربیگری را نسبت به تمرین دادن خیلی دوست نداری؟

هیچ وقت سمت سرمربی شدن نمی روم. چون دیدم موهای سفید مهربان می چه سرعتی زیاد می شوند. خودم خیلی از مربی ها را دیدم که اول فصل ۱۰ تا موی سفید داشتند و آخر فصل ۵۰۰ هتا. سرمربیگری خیلی سخت، اما مربیگری خیلی جذاب و تشنگ است.

دوست داری چیزی را که یاد گرفته ای، یاد بدهی یا از استرس فرار می کنی؟

من در عمرم از هیچ چیز فرار نکرده ام. هر کدام به سهم خود فشارش را دارد. شما اگر بخواهید تمرین دهنده باشید باید بهترین و بدترین کار یک بازیکن را ببینید و چیزی که در توانش است را به او انتقال بدهید. این خاصیت یک تمرین دهنده خوب است که در تمرینات ایدمان را به بازیکن انتقال دهد یا اینکه بداند بازیکن توانایی آنچه که به او یاد می دهد را دارد یا نه؟ یا مثلاً در سرمربیگری باید بداند فلان بازیکن توانایی سرویس زدن دارد یا نه. بازی کردن هراته است که سرمربی می دهد را دارند یا نه؟ این از دیگران متمایز شان می کند.

عطابخش می گفت بچه های ما در لیگ برتر نایب قهرمان شدند اما در قهرمانی آسیا اول می شوند.

من از آقای اکبری بابت تلاش هایش تشکر می کنم. از آقای عطابخش روحیه جنگندگی دیدم که واقعا دوست داشتم. او یک انسان جنگجو است. صحبت هایی که به عنوان مدیرعامل دیدم هیچ چیز بدی نبود. من این روحیه جنگندگی را برای خودم هم در کار و زمین دارم اما کلا آدم آرامی هستم. کلاً آینده خوبی یا اوبرای پیکان می بینم.

یعنی قهرمان آسیا می شوید؟

باید سطح رقابت های قهرمانی آسیا را ببینیم. همیشه آسیا را دیدیم. آن سال که قهرمان شدیم چه بازیکنانی در آسیا بودند، حالا هم بازیکنان تهران است و ما شانس قهرمانی را داریم. حس می زنم که شهادت و پیکان دوباره در فینال با هم بازی کنند.

فینال جذابی می شود...

خیلی جذاب می شود. من پیام نمی رود که فینال را باختم. تبریک می گویم به آقای طوع کبان و تیم شهادت، البته که ما فرهاد

سعید معروف

خوبی حرص می خوری. مثلاً آن ۳،۲ بار که به برزیل باختم و می توانستیم ۱-۳ ببریم، سعید در اتاقش خودش را ردانی کرد. کاری با نحوه برخورد بر خود سعید با باخت ندارم. چقدر دلم تنگ می شود که باخت به برزیل کاری می کرد که به اتاق خودمان برویم و وضع بخوریم. به امیر غفور می گفتم بیایه اتاق سعید برویم و سر به سرش بگذاریم. این اتفاق برای امیر غفور و سعید بعد از باخت به تیم های گردن لغفت هم می افتاد. به هم می ریختم. نسلی بودیم که در تورنمنت ها به رستوران ها که می رفتیم تیم های دیگر با احترام به ما نگاه می کردند. حالا یکم پوست اندازی کرده و آن ها... دوباره این اتفاقات می افتد. آن لحظه ها دلچسب بود که با باخت به برزیل نصف تیمم غزا گرفتند.

در آینه دریافت کتنده ها گران ترین والیبالیست های ما می شوند

برزیل یک رزنده دارده ایران هم

یک سعید معروف

ژانویه تحمل ۱۰ ماه مسابقه را ندارد

به بازیکنی که سرعت بازی را بگیرد

تمرین دادن را بیشتر از سرمربی شدن دوست دارم

دل و لاسکو و الکتو را به دست آوردم

اگر مصدوم نمی شدم، نمی گذاشتم کسی در باره بست دریافت حرف بزند

به بچه های حرف های الکتو را نشان می دهم